

آثار چوبی صفرعلی بیدگلی، هنرمند نجار نیمه دوم دوره قاجاری

محمد مشهدی نوش آبادی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۱۵

چکیده

یکی از هنرمندان نجار دوره قاجاری منطقه کاشان که از وی اطلاعات چندانی در دست نیست، صفرعلی بیدگلی است. در این مقاله، هشت اثر نجاری وی معرفی می‌شود؛ این آثار که برخی از آنان تاکنون شناسایی نشده بودند، شامل سه در دولنگه‌ای چوبی زیارتگاه امامزاده محمد نوش‌آباد، مسجد جامع ابیانه و بی‌بی شاه‌زینب یزدل، چهار منبر در حسینیه چهارسوق آران، حسینیه توی‌ده نوش‌آباد، مسجد جامع ابیانه و حسینیه خانقاه بیدگل و یک رحل سلطانی است. این آثار طی دوره‌ای پنجاه‌ساله - از سال ۱۲۶۷ تا ۱۳۱۷ هجری قمری - انجام شده است. هدف اصلی این مقاله شناسایی آثار صفرعلی و شناختی هرچند کوتاه از زندگی اوست. از این‌رو در پی این پرسش هستیم که صفرعلی کیست و از وی چه آثاری بر جای مانده و این آثار به‌لحاظ هنری و محتوایی چه ویژگی‌هایی دارد؟ داده‌های پژوهش عموماً به‌صورت میدانی جمع‌آوری شده و سپس با توجه به منابع اسنادی، توصیف و تحلیل شده است. صفرعلی هنرمندی است که بیشترین حجم آثار نجاری اواخر دوره قاجاری و آخرین منبت‌کاری‌های فاخر مذهبی منطقه کاشان از اوست. سبک بیشتر این آثار که ادامه خلاقانه شیوه معاصران است، شامل منبت‌کاری نقوش هندسی بر محور شمس و طرح‌های گل‌میخی خلال آن است. آثار وی به‌لحاظ هنری، ارزشمند و به‌لحاظ محتوا دربردارنده نام هنرمند، بانیان، تاریخ و مفاهیم دینی به‌ویژه باورها و عقاید شیعی در قالب عبارات عربی و اشعار فارسی است. از محمود پسر صفرعلی نیز که در چند کار نجاری با پدر همکاری داشته، لنگ دری منبت‌کاری در مسجد جامع نوش‌آباد بر جای مانده است.

کلیدواژه‌ها:

صفرعلی بیدگلی، منطقه کاشان، منبت‌کاری، آثار نجاری قاجاری، در چوبی قاجاری، منبر چوبی قاجاری.

*دانشیار، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، mmn5135@kashanu.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. صفرعلی بیدگلی کیست و چه اطلاعاتی از زندگی وی می‌توان به دست آورد؟
۲. چه آثار تجاری از صفرعلی بیدگلی بر جای مانده و ویژگی آن‌ها چیست؟
۳. محمود که در برخی از آثار همکار صفرعلی بیدگلی است کیست و از وی چه آثاری بر جای مانده است؟

مقدمه

در منطقه فرهنگی کاشان شامل شهرها و آبادی‌های شهرستان‌های کاشان، نطنز و آران و بیدگل، آثار هنری چوبی‌ای از دوره سلجوقی تا قاجاری وجود دارد که برخی از آن‌ها مثل محراب چوبی مسجدجامع ایبانه کم‌نظیر و برخی مانند منبرهای چوبی زیارتگاه و مسجد زیرنگین فریزهند، منبر زیارتگاه برز و جامع ایبانه، از شاهکارهای هنری دوره سلجوقی است (Golmohammadi 1988). از دوره ایلخانی نیز آثار چوبی هنرمندانه‌ای بر جای مانده است؛ ازجمله درب مسجدجامع برزک، درب مسجد پرزله ایبانه و در هنری و شکوهمند مسجد علی قهرود (Ghiasian and Mashhadi 1988). برخی از آثار چوبی این دوره مانند منبر مسجد علی نوش‌آباد نیز از میان رفته است.^۱ از دوران تیموری نیز آثار چوبی درخور ملاحظه‌ای در دست است؛ ازجمله درب واقع در کاروان‌سرای سید (زغالی) بازار کاشان، درب زیارتگاه مشهد ارده‌ال، برخی نیز مانند درب زیارتگاه امامزاده قاسم فین که مفقود و یا از میان رفته، همانند درب زیارتگاه شهسواران که اطلاعی از آن نداریم. از این دوران، در بسیار نفیس و صندوقی چوبی در گنبد سبز نطنز موجود است. از دوره صفوی نیز آثار چوبی ارزشمندی بر جای مانده است؛ ازجمله چهار در نفیس زیارتگاه سلطان میراحمد، دو در زیارتگاه سلطان عطابخش کاشان، درب نفیس و زیبای ورودی حرم مشهد ارده‌ال، سه درب بسیار هنری و نفیس زیارتگاه جوشقان استرک، سه درب مسجدجامع نوش‌آباد، درب مسجد میدان سنگ، همچنین صندوقچه زیارتگاه‌های باباافضل مرق، محمد اوسط جوشقان استرک، میرنشان کاشان و چهل‌دختران برزک ازجمله آثار چوبی دوره صفوی منطقه است. از دوره قاجاری نیز آثار چوبی به‌وفور در منطقه وجود دارد؛ عمدتاً در شکل درهای مکان‌های مذهبی و منابر حسینی و مساجد.

هنرمندان این درها، چه نجار و چه خوش‌نویس، را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: بسیاری از آن‌ها بومی و از خود منطقه هستند و برخی از مناطق اطراف مانند اصفهان به این منطقه آمده‌اند. برای نمونه، درب بسیار نفیس ایلخانی مساجد علی قهرود و پرزله ایبانه کار محمد نقار اصفهانی است (اعظم واقفی ۱۳۸۶، ج. ۴: ۲۳۰؛ مشهدی نوش‌آبادی و غیاثیان ۱۴۰۱)، همچنان که دو در نفیس مسجدجامع نوش‌آباد از دوره صفوی کار استاد محمدعلی اصفهانی است (مشهدی نوش‌آبادی ۱۳۷۸، ۴۸). با این اوصاف، بسیاری از هنرمندان، استادکار بومی و اهل همین منطقه هستند. با پسوندهای بیدگلی (همو ۱۳۹۲، ۵۶-۶۹)، میمه‌ای (مشهدی نوش‌آبادی و جیحانی ۱۳۹۹، ۹۱)، جوشقانی (مشهدی نوش‌آبادی ۱۳۹۱، ۴۳)، ایبانه‌ای، جهقی (همو ۱۳۹۲، ۵۸، ۷۱ و ۷۴؛ قس: مشهدی نوش‌آبادی و غیاثیان ۱۴۰۳، ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۸۵ و ۱۹۹-۲۰۶) و جز آن.

یکی از مناطق هنرمندپرور کاشان، آبادی تاریخی بیدگل در کنار آران است که امروزه شهر آران و بیدگل را تشکیل داده‌اند. نام بیدگل از دوره ایلخانی با هنر ایرانی آمیخته شده است. در میان آثار هنری این دوران، به چند اثر گچ‌بری و زرین‌فام برمی‌خوریم که کار حسن بن علی احمد بابویه بیدگلی است. از پدر وی، علی بن احمد، نیز اثری زرین‌فام بر جای مانده است.^۲ بیدگل از دوره صفوی یکی از شهرهای صنعتی منطقه کاشان و صنعت اصلی آن نساجی و تولید انواع پارچه بوده است. بنابر گزارش‌ها هزاران دستگاه نساجی در صدها کارگاه مختلف این شهر کار می‌کرده‌اند؛ گرچه این صنعت دستی در اواخر دوره قاجاری از رونق افتاده است (وصاف بیدگلی ۱۳۵۸، ۱۶ و ۱۷؛ سپهر کاشانی ۱۳۷۸، ۱۸ و ۱۹). به‌جز آن، بیدگل منشأ اهالی هنر و فرهنگ در منطقه بوده و افراد تأثیرگذاری در منطقه کاشان از آنجا برخاسته‌اند. در دوره صفوی به خاندان هنرمند نورالوری برمی‌خوریم که آثار خوش‌نویسی آن‌ها بر روی دو در چوبی و

مطالعات پیشین ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

چند سنگ بر جای مانده که از جمله آنان ابوالحسن نورالوری است که از عالمان دین نیز بوده‌اند. پیش‌تر در مقاله‌ای به دو اثر چوبی از ابوالحسن نورالوری بیدگلی خوش‌نویس دوره صفوی و خاندان هنرمند و آثار هنری آنان اشاره شده است (مشهدی‌نوش‌آبادی ۱۳۹۲، ۶۹-۵۶)، اما کمتر هنرمند منبت‌کاری داریم که از وی تعداد قابل ملاحظه‌ای اثر بر جای مانده باشد. در بررسی آثار چوبی دوره قاجاری منطقه کاشان با نام یک هنرمند برمی‌خوریم که از وی آثار متعدد چوبی بر جای مانده است. وی صفرعلی بیدگلی نجار برجسته نیمه دوم دوره قاجاری است که از او تعداد چشمگیری اثر هنری بر جای مانده است.

این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی آثار صفرعلی که نام وی بر آن است، برخی آثار مشابه را که فاقد نام اما احتمالاً از اوست، معرفی کند؛ همچنین از خلال کتیبه‌ها و تاریخ موجود در آثار وی و همچنین اشارات مختصر کتاب چراغان سعی خواهیم کرد تا تصویری هرچند مختصر از زندگی این هنرمند نجار دوره قاجاری در توالی آثارش به دست دهیم. برخی از آثار صفرعلی برای اولین بار در این مقاله معرفی می‌شوند. همچنین معرفی همکار و فرزندش محمود و اثر برجای‌مانده از وی نیز یکی دیگر از اهداف این مقاله است. در این مقاله همچنین نشان خواهیم داد صفرعلی دارای سبک خاصی در ساخت آثار چوبی است که تکامل‌یافته نمونه کارهایی است که پیش از آن در منطقه وجود داشته است. این کارها شامل منبت‌کاری طرح‌های هندسی و تزیینات گل‌میخ بر چوب است.

۱. پیشینه پژوهش

درباره صفرعلی و آثار وی تاکنون مقاله یا نوشتاری نوشته نشده است. از زندگی وی، اطلاعات بسیار موجزی در کتاب چراغان که درباره جغرافیا و نفوس قریه بیدگل در اواخر دوره قاجاری است، به دست می‌آید. این کتاب را که ایرج افشار به‌صورت عکسی منتشر کرده، به دست محمدرضا و صاف بیدگلی به سال ۱۳۱۰ هجری قمری، وقتی که صفرعلی هنوز زنده بوده نوشته شده است (وصاف بیدگلی ۱۳۵۸). در برخی از منابع مربوط به تاریخ و آثار تاریخی منطقه کاشان، آران و بیدگل و نطنز به برخی از آثار چوبی صفر اشاره شده است. از این میان می‌توان به کتاب آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز از حسن نراقی (۱۳۸۲)، نوش‌آباد در آیین تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ نوشته محمد مشهدی‌نوش‌آبادی (۱۳۷۸) و جلد چهارم کتاب میراث فرهنگی شهرستان نطنز اثر حسین اعظم‌واقفی (۱۳۸۶) اشاره کرد. با این اوصاف تاکنون اطلاعات و شناخت جامعی از وی و آثارش نشر نشده است.

۲. صفرعلی در رقبه‌های تاریخ

درباره زندگی صفرعلی اطلاعات موجزی در کتاب چراغان، جغرافیای قصبه بیدگل تألیف محمدرضا و صاف بیدگلی به سال ۱۳۱۰ هجری، به چشم می‌خورد. کتابی ارزشمند درباره جغرافیای بیدگل که اطلاعاتی موجز درباره همه خانواده‌ها شامل نام صاحب خانه، سن، شغل، تعداد اهل خانه و فرزندان به تفکیک محلات به دست می‌دهد. اطلاعات مفید دیگر، درباره محلات، بناهای مذهبی و خدماتی، صنایع و بسیاری از ویژگی‌های این آبادی در دوره قاجاری است. در این کتاب در ذکر بزرگان محله توی‌ده که خود شامل دو محله فخارخان و دروازه است، به صفرعلی اشاره دارد. وی درباره بزرگان محله فخارخان (که بخش اصلی محله توی‌ده است) است می‌نویسد: «علما و اعزّه این محله به تفصیل ذیل است: جناب ملا محمدحسین [اقدسی] خلف مرحوم ملا اسمعیل، عالیجناب ملا محمدجواد پسر جناب ملا محمدحسین مذکور، عالی‌جناب ملا محمود خلف مرحوم آقامحمدحسین، حاجی نایب لطف‌الله بن مرحوم حاجی محمدحسین، حاجی صفرعلی نجار که کار آن مشهور است، استاد لطفعلی نجار که در این صنعت معروف است، استاد محمدآقا نجار و پهلوان حیدر جمال» (وصاف بیدگلی ۱۳۵۸، ۱۸).

از این معرفی و صاف برمی‌آید که صفرعلی در آن دوره نجار مشهوری بوده است، همچنین از میان چند نجار دیگر که در این محله بوده‌اند، استاد لطفعلی نجار نیز شهرت داشته است. و صاف همچنین در ذکر مغازه‌های بازار سرسنگ در محله توی‌ده به مغازه نجاری استاد صفرعلی اشاره می‌کند که آباد و دایر بوده است، درحالی که تعدادی از مغازه‌ها

از جمله چند مغازه حدادی و نجاری این بازار خرابه بوده است (همان، ۷۲ و ۷۳). وی همچنین از مغازه نجاران دیگری نیز در بیدگل یاد می‌کند که شهرت صفرعلی را نداشته‌اند.

وصاف در این کتاب، سن صفرعلی را «قریب هشتاد سال» ذکر می‌کند (همان، ۷۲). خوشبختانه همه کارهای شناخته‌شده صفرعلی که نام هنرمند بر آن است، تاریخ ساخت نیز دارد. اولین کارهای وی منبر حسینیّه محله چارسوق آران و درب زیارت امامزاده محمد نوش‌آباد، به تاریخ‌های ۱۲۶۷ و ۱۲۷۰ قمری، با رقم «عمل صفرعلی بیدگلی» است؛ بنابراین سن صفرعلی در این کارها حدود ۴۰ سال است. کار بعدی وی که منبر حسینیّه توی‌ده نوش‌آباد از سال ۱۲۹۳ است، استاد در کار پخته‌تر و در عزت‌نفس تکمیل‌تر شده است؛ از این‌رو خود و کار هنری و نفیس خود را چنین معرفی می‌کند: «هذا عمل حقیر کار صفرعلی بیدگلی».

گویا حدود همین سال‌ها در زندگی شخصی استاد تحولی رخ داده و وی به سفر حج مشرف شده است. از این‌رو کارهای بعدی وی با نسبت حاجی همراه است. بدین ترتیب که در سال ۱۳۱۰ که منبر مسجدجامع ابیانه را مرمت می‌کند، خود را با صفت اقل‌الحاج معرفی می‌کند: «عمل اقل‌الحاج صفرعلی بیدگلی». لابد هم‌زمان با این کار، سفارش کار دیگری را برای مسجدجامع ابیانه گرفته است. کاری که یک سال بعد تکمیل شده و آن در دو لنگه ورودی مسجد است: «عمل اقل‌الحاج صفرعلی بیدگلی».

گرچه بنا بر چراغان که در سال ۱۳۱۰ هجری قمری، صفرعلی نزدیک ۸۰ سال سن داشته است، تا سال‌ها بعد نجاری می‌کرده است؛ حداقل تا سال ۱۳۱۷ قمری یعنی زمانی که هنرمند حدود ۸۵ سال داشته است. البته این کار که منبر کوچکی برای حسینیّه خانقاه مختص آباد بیدگل بوده، بسیار ساده و خارج از دسته کارهای هنری وی است، اما امضای هنرمند، «عمل حاجی صفرعلی» و تاریخ «سنه ۱۳۱۷» را دارد. شگفت آنکه این تنها کار شناخته‌شده ما از صفرعلی در آبادی خودش بیدگل است؛ از این‌رو ضرورتی به آوردن پسوند بیدگلی برای خود نمی‌دیده است.

۳. آثار صفرعلی بیدگلی

در این مقاله، هشت اثر از صفرعلی بیدگلی شامل چهار منبر، دو در و یک رحل سلطانی معرفی می‌شود. زمان ساخت این آثار یک دوره بلند پنجاه‌ساله از سال ۱۲۶۷ تا ۱۳۱۷ هجری قمری را در بر می‌گیرد. این آثار عبارت‌اند از: منبر حسینیّه محله چارسوق آران از سال ۱۲۶۷، درب مسجد زیارتگاه امامزاده محمد نوش‌آباد با تاریخ ۱۲۷۰، رحل سلطانی گره‌چینی در اصفهان حدود سال ۱۲۹۰، منبر چارسوق (حسینیّه) محله توی‌ده نوش‌آباد با تاریخ ۱۲۹۳، مرمت و بازسازی منبر سلجوقی ابیانه در تاریخ ۱۳۱۰، ساخت در مسجدجامع ابیانه به سال ۱۳۱۱، منبر ساده کوچکی برای حسینیّه خانقاه محله درب مختص آباد بیدگل از سال ۱۳۱۷ هجری قمری.

۳.۱. منبر حسینیّه چارسوق آران

اولین اثر شناخته‌شده صفرعلی منبر حسینیّه محله چارسوق آران است. این محله یکی از محلات مهم عزاداری محرم آران است. حسینیّه قدیمی محل در ده‌های اخیر تخریب و به‌جای آن حسینیّه بزرگ جدیدی ساخته شده است که منبر در آن نگهداری می‌شود.

منبر تقریباً سالم است؛ در بخش رقم نام هنرمند سایدگی وجود دارد که خوانش را دشوار می‌کند. این منبر با کرسی، ده پله دارد که به‌جز دو پله آغازین - که لابد در مرمت‌های بعدی با تخته‌های ساده جایگزین شده است - از پله سوم به بعد تزیینات آغاز می‌شود. بر پیشانی پله سوم، پنجم و هفتم، هر کدام در سه طرح شمسّه هشت‌پر در اندازه‌های کوچک مثبت‌کاری شده و طبعاً فضای بین آن‌ها طرح صلیبی است. بر پیشانی پله‌های چهارم، پنجم و ششم طرح شمسّه ده‌ضلعی و چندضلعی‌های متناسب با این کاربست مثبت‌کاری شده است. بر ساق کرسی منبر حسینیّه، کتیبه وقف و نام هنرمند نجار نوشته شده است. اشعاری نیز بر بدنه منبر زیر شبکه نرده‌ای مورب کتیبه شده است. در این بخش طرح مجوف اسلیمی با صورت برجسته‌کاری به شکلی خام دستانه کار شده که در کارهای بعدی صفرعلی بسیار بهتر و هنری‌تر کار شده است (تصویر ۱).



تصویر ۲: منبر حسینیۀ چهارسوق آران از مقابل



تصویر ۱: منبر حسینیۀ چهارسوق آران از سمت راست

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۳۵

این منبر اولین کار شناخته شده صفرعلی است که در حدود چهل سالگی به انجام رسانده است. نوع ساخت و تزییناتی که در این منبر به کار برده است، کم و بیش در عمده آثار دیگرش که تا حدود نیم قرن بعد از آن امتداد داشته، به چشم می خورد؛ گرچه طبعاً در دوره های بعد این کار به کمال رسیده است.

نرده های منبر مشبک کاری بر طرحی شمس به شیوه گره چینی توخالی است که بی تناسب با طرح های هندسی بدنه نیست. این مشبک کاری در سه طرف کرسی هم ادامه دارد. در پایین نرده ها و بر لبه بدنه به صورت برجسته و قطاروار نقوش اسلیمی با گلی شبیه به کوب در میان کار شده است. این نقش همچنین بر دیواره کرسی و دو پله بالایی نیز کار شده است. طرح منبت کاری بدنه بر محور طرح شمس ده پر شکل گرفته و طرح های هندسی منظم شمس ده پر و ستاره های پنج پر و طرح های هندسی چهار، پنج و شش ضلعی شکل به وجود آمده است. گل میخ ها که به شکل منظم در هندسی ها و ستاره های کوبیده شده، زیبایی چشمگیری به کار می دهد. این سبک منبت کاری که شاید سبک هندسی - گل میخی بتوان نامید - در عموم کارهای صفرعلی سابقه دارد (تصویر ۱ و ۲).

۳. ۱. ۱. کتیبه های منبر

به طور کلی دو کتیبه در منبر نوشته شده که نام کاتب در آن نیست. یکی کتیبه وقف نامه شامل نام بانی، سازنده و تاریخ ساخت که در پنج قاب ترنجی بر پیشانی کرسی منبر آمده است: «وقف... (نمود؟) هذا المنبر البديع تقرباً لمرضات الله، سنة ۱۲۶۷ اتمام پذیرفت، بسی عزت آثار محمدرضا/ عمل صفرعلی بیدگلی.» کتیبه ترنج اول و آخر دچار ساییدگی شده و خوانش آن مشکل است، اما در مقایسه با دیگر نمونه های امضای وی کاملاً مشخص است که هموست (تصویر ۳).



تصویر ۳: کتیبه وقفنامه و در پایان رقم صفرعلی بر منبر حسینیه چارسوق آران که دچار آسیب موریانه شده است

دیگری کتیبه شعری است با مضمون قرآنی و شیعی بر قاب ترنج‌های بالای نرده دو طرف منبر که متضمن موضوع منبر نیز هست. شعر ناآشناست و احتمالاً باید از شاعری محلی باشد. موضوع شعر منبر است که متضمن مدح پیامبر و ضرورت توجه به ولایت به معنای شیعی آن است. در دو جا حروف به نظر اضافی است، اما کم‌وبیش خوانش آن چنین است:

سمت راست نرده: «ای از این پایه به / منبر پایه بر بالا زده / پایه تا بانک سبحان / الذی اسری زده / شهسوار همت / هنگام معراج شرف / بر فراز سدره استاد / و بر آن استعلا زده / گوهر آویزه / گوش دو عالم ساخته / طعنها بر گوهران» (تصویر ۴).

ادامه سمت چپ: «هرکجا اخبار آثار / تو منقول آمده / صادق القولان / عالم بانک صدقنا زده / هرکه امروز «او» (؟) / ولایت روی / دل برتافته / ای بسا فردا / «و» (؟) بچاه ویل، وا / ویلا زده / فی سنه ۱۲۶۷» (تصویر ۵).



تصویر ۴: آغاز کتیبه نرده منبر حسینیه چارسوق آران



تصویر ۵: انجام کتیبه نرده منبر حسینیة چارسوق آران

۳.۲. در زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد

زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد زیارتگاه اصلی شهر است که قبرستان شهر نیز در آنجاست. با توجه به آثار و کتیبه‌های موجود این مکان در دوره صفوی ایجاد شده است. بنای اصلی که چهار ایوان آن در سال‌های اخیر تخریب شده، شامل گنبد مخروطی شکل با کاشی‌های فیروزه‌ای است. از تاریخ بنای این گنبد اطلاع نداریم اما در دوره قاجار معمور بوده و گنبد آن کاشی شده است. کتیبه‌های چندی از دوران صفوی و قاجار در این زیارتگاه شناسایی شده است. در ایوان شمالی که در دوره پهلوی اول به سمت صحن و رواقی باصفا قرار داشته، شامل تزیینات نقوش فرشتگان، گل و بوته اسلامی و ختایی داشته که قسمت زیادی از آن را جهت نوسازی بی‌رویه نابود کرده‌اند، اما هنوز قسمتی باقی است، بدون آنکه محافظت شود. در این ایوان در دولنگه‌ای قاجاری به جانب گنبدخانه قرار دارد که از آثار نجاری صفرعلی بیدگلی است (نراقی ۱۳۸۲، ۲۴۳-۲۴۶؛ محمد مشهدی نوش آبادی ۱۳۷۸، ۵۹-۶۱).

این در نفیس را صفرعلی به شیوه طرح‌های هندسی ستاره‌ای هشت‌پر (شمسه هشت) و گل میخ شبیه همانند کار قبلی‌اش منبر محله چارسوق آران کار کرده است. بر روی هر لنگه سه قاب طراحی شده که با زوار از بقیه در تفکیک می‌شود. در تمام سطح در و درون قاب‌های پایین و بالایی طرح اصلی بر محور شمسۀ هشت است و در هر دو قاب مستطیل میانی دو طرح شمسۀ دهم‌پر است. در پیرامون طرح شمسۀها نیز اشکال منظم هندسی پدید آمده است. در مرکز و گوشه تمام اجزا و عناصر این طرح‌های ستاره‌ای، شمسۀای و هندسی، به صورت منظم گل میخ کار شده که زیبایی منبت کاری را دو چندان کرده است (تصویر ۶).

در میان طرح ستاره‌ای قاب‌های مربع بالایی دو لنگه به ترتیب عبارت «یا قاضی الحاجات» و «یا رفیع الدرجات» به خط ثلث نوشته شده است. در لبه بالایی در دو قاب ابتدا نام بنیان آمده است: «تمام شد به سعی امیرزا جونی، احمد السرکاری، میرزا ملا» و در قاب زیر آن نام سازنده در «عمل صفرعلی بیدگلی، سنه ۱۲۷۰» (قس: مشهدی نوش آبادی ۱۳۷۸، ۵۹ و ۶۰) آمده است (تصویر ۷).

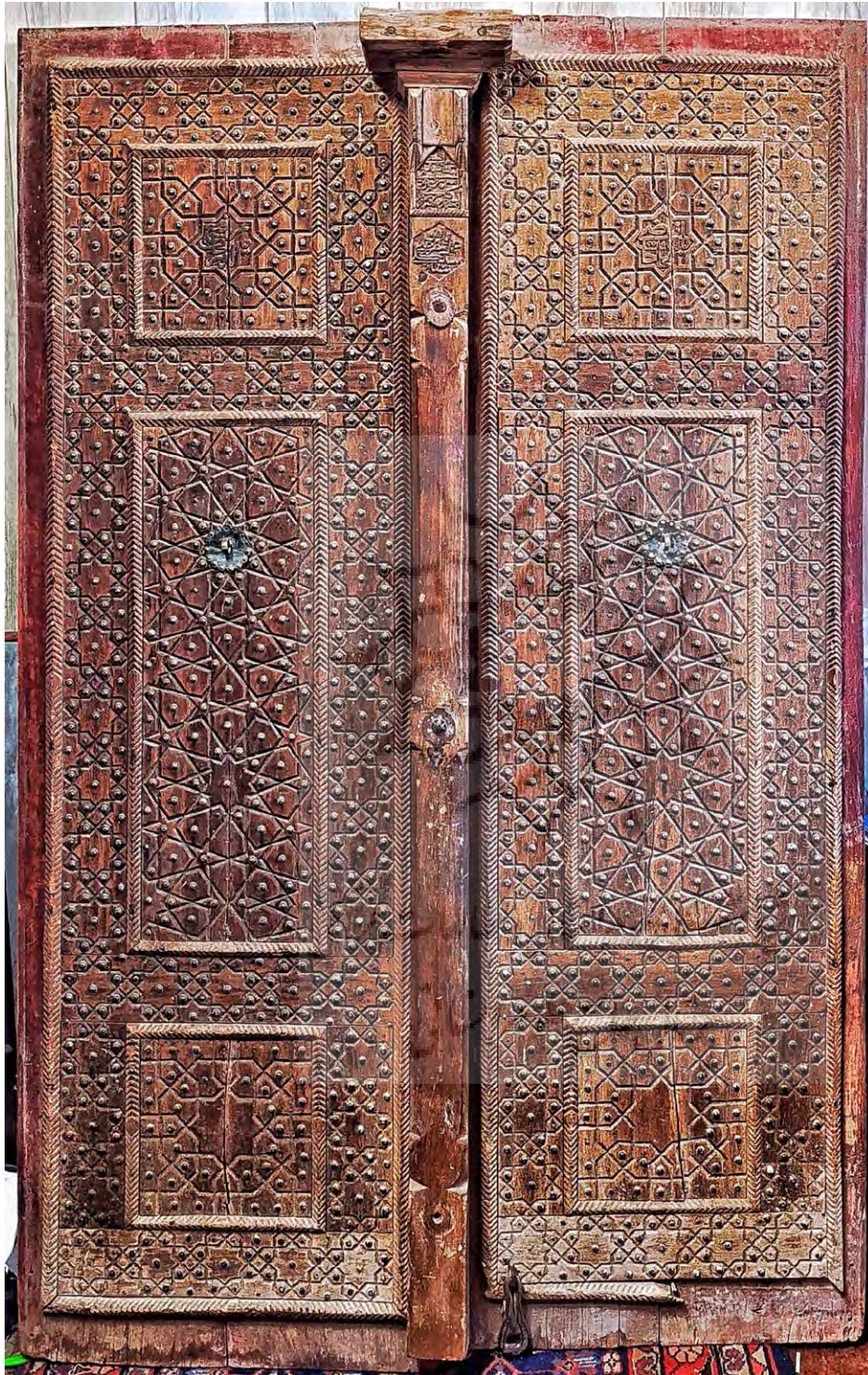
۳.۳. در زیارتگاه قاجاری بی‌بی شاه‌زینب یزدل

اما در چوبی زیارتگاه بسیار مصفا بی‌بی شاه‌زینب روستای یزدل که از آثار جالب دوره قاجاری با نقوش زیرگنبد از جمله گل و بوته، نقوش فرشتگان و منظره‌های قاجاری، در دامنه تپه خاکی کوچکی بنا شده که چشم‌انداز ایوان بلند، منظر و کاشی کاری زیبایی دارد. گنبد بیرونی این زیارتگاه همانند زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد تیز و مخروطی شکل با تزیینات کاشی فیروزه‌ای است، جز اینکه در اینجا دو گلدسته نیز افزوده‌اند. در مورد بحث ما در ورودی اصلی گنبدخانه قرار دارد. شیوه این در هم به‌خاطر قاب‌بندی و هم به‌خاطر طرح‌های اصلی دهم‌پر در قاب‌های شش‌گانه و طرح هشت پیرامون قاب و همچنین سبک و نوع آرایش تزیینات گل میخی و حتی زوار دور قاب‌ها شباهت اساسی با کار صفرعلی در

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۳۸



تصویر ۶: در زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد و کتیبه بانی و نجار



تصویر ۷: رقم صفر (سفر؟) علی و بانیان بر کتیبه
در زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد

زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد دارد، جز اینکه در قاب مستطیل میانی هر لنگه، به جای دو طرح شمسۀ ده پر، سه طرح شمسۀ آمده است. در واقع در زیارتگاه بی بی شاهزینب کشیده تر و بلندتر از زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد است. این در فاقد نام سازنده و بانی است، اما شباهت چشمگیر آن با در زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد ما را مجاب می کند که آن را از صفرعلی بیدگلی بدانیم؛ زیرا طرح های در به همان نسبت که با کار صفرعلی یکسان است، با کارهای مشابهی چون در زیارتگاه محمد هلال آران از هنرمندی دیگری از این دوران، تفاوت دارد (ادامۀ مقاله). متأسفانه این در دهه های اخیر با رنگ روغن نامتجانس سبز رنگ کاری شده است (تصویر ۸).



تصویر ۸: در زیارتگاه بی بی شاهزینب یزدل

۳.۴. حسینیه توی ده نوش آباد

چارسوق (حسینیه) توی ده نوش آباد یکی از حسینیه‌های پنج‌گانه این شهر است. بنای اصلی آن احتمالاً از اواخر صفوی یا اوایل قاجاری است. اشیای برجای‌مانده در این حسینیه از دوران صفوی و قاجاری است؛ از جمله جام بزرگ مسین با تاریخ ۱۱۳۲ قمری (مشهدی نوش‌آبادی ۱۳۷۸، ۵۸-۵۶) و پنج توغ از سال ۱۲۲۱ و ۱۱۲۳ و اواخر صفوی (مشهدی نوش‌آبادی و خداداد ۱۳۹۴، ۱۵۴-۱۵۵). پس از اینکه در اوایل دوره جمهوری اسلامی، گنبد حسینیه به دنبال بارندگی شدید تخریب شد، بخش‌هایی از آن از جمله بنای گنبدی ضلع شمالی و بخش‌های دیگر نیز تخریب شد. از بخش قدیمی دو صفه شرقی و جنوبی و غرفه‌های فوقانی این دو بخش کم‌وبیش بر جای مانده است.

منبر حسینیه توی ده یکی دیگر از آثار صفرعلی است که به لحاظ تاریخی سیزده سال بعد از در زیارتگاه امامزاده محمد نوش‌آباد ساخته شده، اما طرح کلی هندسی و گل‌میخ‌های آن با این درب یکسان است. این منبر از دو قسمت تشکیل شده است. بخش کرسی منبر از بخش پله‌ها جداست و با قلاب به هم چسبیده می‌شود. این منبر با کرسی هشت پله دارد. منبر در بخش کرسی ۲۷۷ سانتی‌متر ارتفاع، ۲۶۰ سانتی‌متر درازا و ۹۵ سانتی‌متر پهنا دارد. پهنای پله‌ها ۸۴ سانتی‌متر و ارتفاع آن‌ها متغیر و بین ۲۲ تا ۲۵ سانتی‌متر است (تصویر ۹).



تصویر ۹: منبر حسینیه توی ده نوش‌آباد از جانب راست

پلهٔ اول فاقد تزئین اما در پیشانی پلهٔ دوم طرح شمسۀ هشت‌پر و صلیبی در اندازهٔ کوچک منبت کاری شده است. در پلهٔ سوم و پنجم در مقیاسی بزرگ‌تر در یک ردیف شش طرح شمسۀ هشت کار شده است. در پلهٔ چهارم این طرح شمسه با گل‌میخ‌های منظم بخش صلیبی‌ها فرم زیباتری به خود گرفته است. در پیشانی پلهٔ ششم، هفتم و هشتم که کرسی است، طرح زیبای گل‌بوتهٔ اسلیمی به‌صورت برجسته با ریتمی یکنواخت در یک ردیف کار شده است. این نوع تزئینات و ظرایف، کار صفرعلی را از کاری که حدود پانزده سال قبل در منبر حسینیهٔ چهارسوق آران انجام داده کاملاً متمایز و نقطهٔ کمال آن را نشان می‌دهد.

نرده‌های مشبک‌کاری، نقوش اسلیمی زیر آن و طرح شمسۀ ده‌پر و اشکال هندسی و طرح گل‌میخ‌های این منبر عیناً مانند منبر محلهٔ چارسوق آران است. بر لبهٔ بیرون نرده‌ها صلوات کبیره به‌صورت برجسته نوشته شده و در لبهٔ دیوارهٔ کرسی نیز بیت شعری متناسب با مفهوم عزاداری و کرسی و مسند (نشستگاه) منبر کتیبه شده است: «در فوق عرش مسند برچیده جای کیست؟/ صاحب‌عزا خداست خدایا عزای کیست؟» (تصویر ۱۰).

در ستون سمت راست و چپ کرسی رقم نام سازندگان و تاریخ این منبر آمده است. در سمت راست: «هذا عمل حقیر، کار صفرعلی نجار بیدگلی» (تصویر ۱) و در جانب چپ دو کلمه نامفهوم است و ناخوانا: «صورت اتمام یافت فی سنه ۱۲۹۳... محمود...»^۳. محمود همکار صفرعلی بوده که دربارهٔ وی سخن خواهیم گفت (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۰: منبر حسینیهٔ توی‌ده نوش‌آباد از جانب مقابل

مطالعات معمارانه ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۴۱



تصویر ۱۲: رقم محمود همکار صفرعلی در منبر حسینیهٔ توی‌ده نوش‌آباد



تصویر ۱۱: رقم صفرعلی منبر حسینیهٔ توی‌ده نوش‌آباد

۳. ۵. رَحَل سلطانی گره‌چینی

حمید فرهمند بروجنی^۴ از وجود یک رحل سلطانی چوبی مشبک با امضای صفرعلی بیدگلی در اصفهان خبر می‌دهد. وی که از نزدیک این رحل را مشاهده کرده، بیان می‌کند که این رحل طرح گره‌چینی توخالی به‌صورت طرح شمشه داشته است. گرچه به‌لحاظ هنری کیفیت کار معمولی بوده، از جهت نجاری، این رحل سلطانی بسیار خوب و محکم کار شده است. تاریخ ساخت رحل بنا بر رؤیت فرهمند بروجنی حدود سال ۱۲۹۰ هجری است. بنا بر نقل وی، رقم کار «حاج صفرعلی بیدگلی» بوده است که ما دربارهٔ نسبت حاجی وی بحث کردیم. امضا و تاریخ کاملاً با تاریخ زندگی و دیگر کارهای این استاد مطابقت دارد. امروز از سرنوشت این رحل و محل نگهداری آن اطلاعی نداریم؛ اما امید می‌رود که این اثر و دیگر آثار موجود صفرعلی به مرور زمان شناسایی و معرفی شود. طرح شمشه گره‌چینی صفرعلی در منبرهای چارسوق آران و توی‌ده‌نوش‌آباد نیز کار کرده است. این کارشناس مرمت آثار بر آن است که استفاده از شیوه گره‌چینی در چوب باعث جلوگیری از تاب برداشتن کار می‌شود.

فرهمند دربارهٔ اندازهٔ رحل اعتقاد دارد این رحل حتی از رحل معروف حسن بن زید اصفهانی در موزهٔ متروپولیتن نیز بزرگ‌تر بوده است و گویا برای قرار دادن قرآنی بزرگ در جایی ثابت در مکانی مذهبی عالی‌قدر بوده است (فرهمند بروجنی ۱۴۰۳، مصاحبه). رحل حسن بن زید که از نفایس منبت‌کاری سدهٔ هشتم هجری است، در حالت بسته ۱۳۰ سانتی‌متر و در حالت باز ۱۱۴ سانتی‌متر ارتفاع دارد و پهنای آن ۴۱ سانتی‌متر است (URL 2). بدین روی معلوم می‌شود که کارهای نجاری صفرعلی منحصر به ساخت در و منبر نمی‌شده و ابعاد دیگری نیز داشته است.

۳. ۶. منبر مسجد جامع ایبانه

همان‌گونه که ایبانه ما را به تاریخ می‌برد، در مسجد جامع ایبانه نیز انگار از زمان حال بریده می‌شویم. شبستان همکف و شبستانی که با چند پله از همکف پایین‌تر است، کهن و رازآمیز است. در شبستان پایین محرابی چوبی از دورهٔ سلجوقی و منبری کوچک از سدهٔ هشتم، در کنار آن است. در شبستان همکف سرستون‌های سلجوقی و نقوش سقف سدهٔ هشتمی است و منبری از دوران سلجوقی. این منبر که از یادگارهای سدهٔ پنجم هجری است، کتیبه‌ای با رقم «محرم سنه ست و ستین و اربع‌مائه» (۴۶۶ ق) دارد (Golmohammadi 1988, 148). تاریخ‌های دیگری نیز بر منبر است که مرمت‌های آن در دوره‌های مختلف را نشان می‌دهد؛ از جمله کتیبه‌ای بر تکیه‌گاه کرسی یا مسند منبر از سال ۱۰۰۹ هجری قمری. اما مرمتی اساسی بر روی این منبر از دورهٔ قاجاری انجام شده که مرمتگر آن برای ما آشناست: صفرعلی بیدگلی.



تصویر ۱۴: نمای روبه‌روی منبر مسجد ایبانه (عکس از محمدمهدی امینی)



تصویر ۱۳: نمای سمت چپ منبر مسجد ایبانه (عکس از محمدمهدی امینی)



تصویر ۱۵: کتیبه قرآنی و رقم هنرمندان و بانی منبر مسجد جامع ایبانه (عکس از محمدمهدی امینی)



تصویر ۱۶: رقم صفرعلی و تاریخ ۱۳۱۰ بر منبر مسجد جامع ایبانه (عکس از محمدمهدی امینی)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۴۳

در واقع آسیب‌های جدی این منبر، متولیان مسجد را بر آن داشته تا از نجاری خوش سلیقه که بتواند یک اثر ارزشمند تاریخی را با ویژگی‌های هنری دوره قاجاری حفظ کند، دعوت کنند؛ نجاری که پیش‌تر با ساخت منابر و درهای ارزشمند این توانایی را نشان داده است. از این‌رو صفرعلی از بیدگل، جایی نه‌چندان دور به این آبادی حیرت‌انگیز دعوت می‌شود، هم برای مرمت این منبر و هم برای ساخت دری باشکوه (تصویر ۱۰). صفرعلی بخش‌های زیادی از منبر از جمله هر سه پله اصلی این منبر چهارپله‌ای را که اکنون ۲۳۳ سانتی‌متر ارتفاع دارد، تعویض و نوسازی کرده است. پله چهارم، پله مسند یا کرسی است که ترکیبی از بخش‌های اصلی سلجوقی و مرمت‌های دوره صفوی و قاجاری است، اما سه پله اصلی منبر کاملاً با سبک صفرعلی در منبرهای محله چارسوق آران و توی‌ده نوش‌آباد یکسان است و با قاطعیت می‌توان گفت که هر سه کار صفرعلی بیدگلی است. در پله اول طرح ستاره هشت‌پر و صلیب، منبت‌کاری شده و در پله دوم همین طرح در اندازه بزرگ‌تر کار شده است. در پله سوم نیز همان طرح اسلیمی گل و بوته برجسته‌کاری شده که نمونه‌اش را در منبر حسینیّه توی‌ده به‌زیبایی کار کرده است (تصاویر ۱۳ و ۱۴).

همچنین در تیر ستونی بدنه بخش پله و همچنین تیر مورب به موازات پله‌ها کار صفرعلی است، زیرا همسان با نقوش گل و گیاهی دو منبر قبلی است؛ بخشی که در منبرهای دیگر همراه با نرده کار شده است. دو تیرک جانبین منبر که در رأس آن مقرنس‌کاری شده نیز از اوست و همسان با دیگر کارهایش. بنابراین کل بخش دستگاه پله که با بخش مسند ترکیب می‌شود، به دست صفرعلی کار شده و هنر اوست. جز اینکه تخته‌های نقش‌دار سلجوقی را در بدنه این بخش جای داده است.^۵

کتیبه‌های مرمت و ساخت قاجاری مسجد، بر پایین پیشانی مسند و بالای پله سوم آمده است. در پیشانی پله کرسی و درست در پایین کتیبه و طرح سلجوقی، عبارت «وَاذْکُرْ» و در پی آن عبارت قرآنی «رَبُّکُمْ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء: ۷۹) و نام بانی «تمام شد بسی ملامحمد بن محمدصادق» و خوش‌نویس همکار صفرعلی، «کتیبه میرزا محمد ایبانه» در سه قاب ترنجی آمده است (تصویر ۱۵). از آنجا که پله‌های منبر ایبانه نسبت به پله‌های منبر حسینیّه توی‌ده نوش آباد و چارسوق آران بلندتر است، فضای خالی بالای طرح‌های مثبت‌کاری این سه پله وجود دارد؛ از این‌رو بر بالای پله‌ها طرح اسلیمی، در سه قاب ترنجی کتیبه شده که دو قاب آن متضمن آیه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: ۱۸) است و در سومی رقم نجار و تاریخ ساخت آمده است: «عمل حاج صفرعلی بیدگلی، سنه ۱۳۱۰» (تصویر ۱۶).

۳.۷. در مسجدجامع ایبانه

در مسجدجامع ایبانه تقریباً آخرین کار ارزشمند و هنری صفرعلی است که ما می‌شناسیم، چون کار بعدی وی یک مسند یا کرسی کوچک منبرمانند کاملاً ساده است. در مسجدجامع ایبانه یکی از آثار چوبی شاخص دوره قاجاری است که با کارهای دیگر صفرعلی تفاوت دارد. اینجا دیگر طرح‌های هندسی و گل‌میخی بنیان کار نیست، چرا که چون ایبانه به‌جز اینکه آبادی تاریخی و فرهنگی شاخص با آثار چوبی از دوران سلجوقی تا قاجاری است، در منطقه کوهستانی پر از باغ و گیاه و میوه و گل قرار دارد. در این روستای بی‌مانند ده‌ها اثر مثبت‌کاری باقی است، از محراب و منبر سلجوقی مسجدجامع گرفته تا در ایلخانی مسجد پرزله و ده‌ها در تاریخی از دوره صفوی در مساجد و به‌ویژه خانه‌های این آبادی (مشهدی نوش آبادی ۱۳۹۲، ۴۸-۸۵). همچنین سقف مسجدجامع با سرستون‌های سلجوقی و نقوش روی چوب سقف از سده هشتم را نباید از نظر دور داشت.

باری صفرعلی می‌داند به کجا و برای چه آمده است. ساخت دری دولنگه برای مسجدجامع این روستا که کمی قبل‌تر از مرمت منبر نفیس سلجوقی آن را به پایان رسانده است. اما اینجا کار متفاوتی می‌طلبد؛ از این‌رو صفرعلی طرحی نو درانداخته و متناسب با حال‌وهوا و گل و گیاه ایبانه، تمام این در را با نقوش گل و بوته اسلیمی و ختایی - که گاهی از نقوش مختصر کارهای پیشینش نیز ملهم است - مانند باغی پر گل نقش زده است. تمامی در منقوش است و بخش‌هایی نیز کتیبه‌کاری شده است. قاب‌بندی در همچون در امامزاده محمد نوش آباد است که بر هر لنگه، قابی مستطیل در میان است و دو قاب مربع در پایین و بالا. با این اوصاف در بالا و پایین قاب‌های مربع در هر لنگه، چهار مستطیل دیگر برای اجرای اسلیمی و کتیبه ایجاد کرده است؛ دری با ۱۴ قاب منقش.

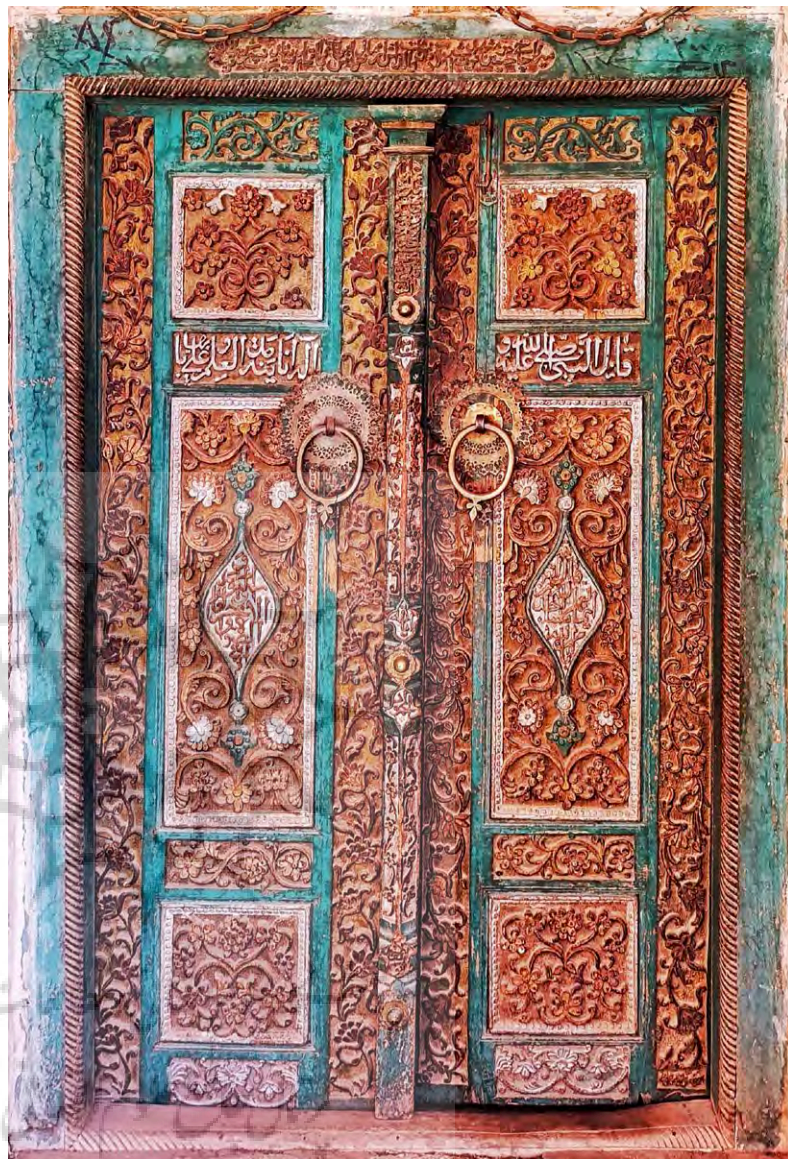
در دو قاب مستطیل اصلی، طرح ترنجی کم و بیش شبیه ترنج قالی کاشان ایجاد کرده و در وسط آن کتیبه و اطراف آن نقوش گل و بوته اسلیمی درانداخته است. نقش چهار قاب مربع نیز گل و بوته است و در قاب‌های مستطیل کوچک و بدنه نقوش گل و بوته اسلیمی و ختایی. در قاب‌های مستطیل بالای قاب مربعات چهارگانه، نقوش گل و بوته شبیه به همان‌ها را که پیش‌تر در کار منبر حسینیّه توی‌ده نوش آباد و - همین نزدیکی - در تعمیر منبر ایبانه به کار برده، نمایش داده است، در تمام بدنه و حتی بر لبه در نیز گل و بوته نقش کرده است. گویی قالی کاشی است و یا باغی پر از گل و گیاه در ایبانه (تصویر ۱۷).

کتیبه‌ها در دو قاب زیر مربع بالایی، دو ترنج میانی و بر چند ترنج لبه در است؛ به‌جز آن، ماجرای وقف این دو در توسط بانی به کوتاهی بر بالای چارچوب در کتیبه شده است. بر چارچوب بالایی در، نام واقف بنا و ماجرای وقف آن به‌صورت مختصر آمده که در نوع خود جالب است: «میرزا حاجی حسین در مشهد فوت شد. اولاد نداشت، والدش از مال خودش این باب را باتمام رسانید به جهت پسرش قرینه الی الله» (تصویر ۱۸). این کتیبه قابل مقایسه با دیگر وقایع‌نگاری‌های مسجدجامع ایبانه، به ویژه کتیبه‌های سقف آن است که از سده هشتم تا دوره معاصر ادامه دارد (Golmohammadi 1988, 121-138).

در ذیل قاب‌بندی نقوش بالایی در، عبارت «قال النبی صلی الله علیه و آله: «أَنَا مَدِیْنَةُ الْعِلْمِ وَ عَلٰی بَابِهَا» (Ibid, 139) و در میان قاب مستطیل وسط در، آیه ۱۸ سوره توبه آمده است: «قال الله تعالی: إِنَّمَا یَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ» (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۹: رقم صفرعلی و تاریخ ۱۳۱۱ قمری در مسجد جامع ایبانه



تصویر ۱۷: در مسجد جامع ایبانه کار صفرعلی بیدگلی

مطالعات معمارانه ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۴۵



تصویر ۱۸: کتیبه معرفی بانی در مسجد جامع ایبانه

هنرمندان بر لبۀ در نام خود را آورده‌اند. در ترنج بالایی لبه، نام سازنده و تاریخ ساخت کتیبه نوشته شده است: «عمل اقل الحاج صفرعلی بیدگلی سنة احدى عشر ثلاثمائة بعد الف» (تصویر ۱۹) و در چهار قاب کوچک دیگر که به صورت گل عباسی کوچک قاب‌بندی شده که تا پایین در ادامه دارد، «سنة ۱۳۱۱»، «یا الله»، «المحمود» و «کتبه ابوالقاسم» آمده است (تصویر ۱۷). به جز این ابوالقاسم خوش‌نویس، به نظر می‌رسد محمود، نام نجارِ همکار صفرعلی است که در ادامه مقاله به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۳.۸. منبر کوچک حسینیۀ خانقاه محله مختص آباد بیدگل

آخرین کار صفرعلی منبر کوچک صندلی‌مانند است. این کار به لحاظ کیفیت و عظمت با دیگر کارهای صفرعلی به هیچ وجه قابل مقایسه نیست (تصویر ۲۰) و در واقع منبری کوچک برای حسینیۀ‌ای است که از زمان صفرعلی تاکنون منبری بزرگ در آن قرار داشته است. احتمالاً این کار سردستانه‌ای را خود صفرعلی وقف حسینیۀ کرده باشد. در سه قاب ترنجی بر سه تیر چوبی افقی این منبر از بالا به پایین به ترتیب این کتیبه‌ها آمده است: «وقف خانقاه مختص آباد»، «عمل حاجی صفرعلی» و تاریخ «۱۳۱۷» هجری قمری (تصویر ۲۱).

نام وی و تاریخی که بر روی آن کتیبه شده نشان می‌دهد که این استاد توانا حداقل تا این تاریخ زنده بوده و در دورۀ کهنولت هم به کار نجاری مشغول بوده است. درست نیم قرن بعد از اولین اثری که از وی می‌شناسیم.



تصویر ۲۱: رقم صفرعلی و تاریخ ۱۳۱۷ بر منبر کوچک خانقاه مختص آباد بیدگل



تصویر ۲۰: صندلی خانقاه مختص آباد بیدگل، آخرین کار صفرعلی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۴۶

۴. محمود پسر صفرعلی

اما پرسش اینجاست که چطور صفرعلی با سنی حدود ۸۰ سال کارهای بزرگ هنری چون درب مسجد اَبیانه را انجام می‌داده است. حل این معما با دقت در نام دیگری (محمود) که در کارهای او پیداست حل می‌شود. این نام در سال

۱۲۹۳ که منبر حسینیۀ توی ده ساخته شده تا آخرین کارهای هنری وی یعنی در مسجد جامع ایبانه به سال ۱۳۱۱ دیده می‌شود. محمود که همکار وی در حدود دو دهۀ اخیر زندگی هنری‌اش بوده، می‌توانسته ضعف قوای بدنی استاد را در این سال‌ها جبران و در همراهی وی، خلق آثار هنری را هموار کند. اما این هنرمند همکار وی کیست؟ چه کسی از سال ۱۳۹۳ همراه استاد بوده و این همراهی را تا پایان عمر کارهای هنری استاد در سفر و در حضر ادامه داده است؟ پاسخ را می‌توان از کتاب *چراغان* گرفت. و صاف در سرشماری خانۀ صفرعلی، تصریح می‌کند که صفرعلی که نزدیک هشتاد سال سن دارد و دارای یک زن و دو فرزند است: یکی دختر که به خانۀ شوی رفته و دیگر پسری ۳۵ ساله که در آران، آبادی مجاور بیدگل، زندگی می‌کند. نام این پسر محمود است. فاصلۀ سنی صفرعلی و پسرش محمود حدود ۴۵ سال است. به بیان دیگر در حدود ۴۵ سالگی صاحب این اولاد شده است. بنابراین در سال ۱۲۹۲ که اولین همکاری پدر و پسر بوده، محمود حدود ۱۸ سال داشته که شاگرد و همکار پدر ۵۰ ساله‌اش بوده است، و هنگامی که درب مسجد جامع ایبانه را با پدر نجاری می‌کرده، ۳۵ سال داشته است؛ درست یک سال بعد از تألیف *چراغان*. اما آیا از محمود اثر مستقلی هم بر جای مانده است؟ پاسخ این سؤال را باید در مسجد جامع نوش‌آباد پیدا کنیم.

۴. ۱. لنگۀ در چوبی مسجد جامع نوش‌آباد

مسجد جامع نوش‌آباد از آثار مهم دورۀ سلجوقی در منطقۀ کاشان است. این مسجد دارای یک مناره، دو ایوان شمالی و جنوبی، صحن و رواق‌های اطراف صحن، یک شبستان زیرزمینی و همکف و چند ورودی و درب تاریخی است (Hillenbrand 1976, 265-277). کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بنای اولیه مسجد مربوط به قرون آغازین اسلامی است (URL 1). منارۀ مسجد از سبک مناره‌های سلجوقی و مربوط به سدۀ ششم است. به‌جز آن، آثار دیگری مانند گچ‌بری‌های جلوخان اصلی در غرب مسجد نیز سبک سلجوقی یا ایلخانی دارد. سبک ایوان شمالی نیز قدیمی و احتمالاً مربوط به دورۀ ایلخانی یا ماقبل آن است.

این مسجد چند در تاریخی دارد که دو در بازمانده از دورۀ صفوی و مربوط به سال‌های ۱۱۳۲ و ۱۱۳۳ است و از درب دیگر این دوره مربوط به سال ۱۰۰۷ جز کتیبه‌ای بر جای نمانده است (مشهدی نوش‌آبادی ۱۳۷۸، ۴۹-۴۱). یکی از درب‌های باقی‌مانده که یک لنگه است، از آثار اواخر دورۀ قاجاری است که تاریخ ۱۳۱۲ قمری دارد. در باقی‌مانده قاجاری یک لنگه است به طول و عرض ۲۲۴ در ۷۸ و ضخامت ۶ سانتی‌متر. از چفت در معلوم می‌شود که لنگۀ دیگری نیز داشته که اثری از آن نیست. نکته قابل ملاحظه امضای هنرمند نجار است که خود را «محمود ولد صفرعلی» معرفی کرده است. شواهد و اسناد ارائه‌شده در این مقاله در کنار قراین تاریخی، مسلم می‌دارد که این محمود پسر همان صفرعلی است، اما سبک و ظرایف هنری کار پسر با پدر هم‌خوان نیست؛ در واقع محمود بر چارچوب اصلی در و دو تختۀ بدنه، چهار قاب چوب منبت‌کاری قرار داده، بدون استحکامی که ضروری چنین کارهایی است. دو قطعه تخته چوب به‌صورت افقی، که یکی در بالا کتیبه در را تشکیل می‌دهد و دیگری در پایین دارای نقوش اسلیمی است و دو قطعه چوب بزرگ منبت‌کاری دیگر به‌صورت عمودی و چسبیده به هم، قاب بلند میانی و اصلی را شکل داده است.

نقوش این در عمدتاً در قاب مستطیل میانی است که بیشتر سطح در را فرا گرفته است. محور اصلی طرح در دو ستارۀ چهار پر در داخل دو لوزی است که در میان در نیز طرح شمشه‌ای پدید آورده و در داخل هر کدام از طرح‌های هندسی داخلی که به‌صورت مثلث و چهارضلعی است، نقش گیاهی اسلیمی منبت‌کاری شده است؛ همچنان که در اطراف قاب وسط و دو قاب پایین و بالایی نیز نواری از نقوش ساده کار شده است (تصویر ۲۲). در قاب مستطیل بالای در کتیبه به خط ثلثی ضعیف، ابتدای حدیث معروف «قال النبی (ص): انا مدینة العلم و علی بابها سنة ۱۳۱۲» آمده است، سپس در پایین و کنار این کتیبه با خطی ریزتر نام سازندۀ در آمده است: «عمل محمود بن حاجی صفرعلی بیدگلی» (تصویر ۲۳).^۷



تصویر ۲۲: در قاجاری مسجد جامع نوش‌آباد کار محمود پسر صفرعلی

۵. مقایسه کارهای صفرعلی با آثار معاصرانش

چند کار چوبی معاصر اما کمی قدیمی‌تر از آثار صفرعلی در آران و بیدگل وجود دارد که با کارهای وی شباهت دارد؛ شباهت اصلی آن‌ها در شیوه منبت بر محور طرح شمسه و در یکی از آن‌ها استفاده از گل میخ است. این آثار عبارت‌اند از: منابر حسینی‌های درب ریگ و خانقاه مختص آباد بیدگل و در ضلع شمالی زیارتگاه محمدحلال آران که برای شناخت بهتر کارهای صفرعلی و بررسی تأثیر احتمالی برخی از آن‌ها به‌ویژه منابر ذکرشده، ضروری است.

۵.۱. منبرهای حسینی در درب ریگ و حسینی خانقاه مختص آباد بیدگل

منبر چوبی حسینی در درب ریگ بیدگل منبری بزرگ با یازده پله است که در سال ۱۳۳۹ هجری قمری ساخته شده. منبر دیگر که تاریخ ساخت آن پیدا نیست اما شبیه این منبر است، در حسینی خانقاه بیدگل قرار دارد. منبر حسینی خانقاه به سبک منبر درب ریگ منبت کاری و کنیبه نگاری شده است، به جز شباهت در سبک منبت کاری و طرح‌های ستاره‌ای، در بالا و پایین نرده پله‌ها نیز مانند منبر درب ریگ، آیت‌الکرسی و صلوات کبیره آمده است.

در زمان ساخت این منابر صفرعلی کودکی بیش نبوده است، اما شباهت‌های موجود میان این دو منبر و منبرهای ساخت وی نشان می‌دهد که ممکن است الگوی اصلی‌اش در ساخت منبر، این منبرها بوده است. نقوش هندسی به کاررفته همانند طرح‌های شمسه هشت‌پر و دیگر نقوش چندضلعی در بدنه کار شده است. در پیشانی پله‌ها به جز دو پله که طرح شمسه هشت دارد، بقیه طرح مبتنی بر شمسه ده‌پر و در دو اندازه کوچک و بزرگ است.

در بدنه این دو منبر دو طرح منبت کاری به چشم می‌خورد. بدین ترتیب که در بدنه مستطیلی بخش مسند، طرح‌ها بر محور شمسه ده‌پر است، درحالی‌که در بدنه بخش پله‌های منبر، محور کار طرح شمسه هشت‌پر است، طبقاً این تفاوت محوری، طرح‌های هندسی متفاوتی را پدید می‌آورد؛ ضمن آنکه این طرح‌ها فاقد تزیینات گل میخ است (تصاویر ۲۴ و ۲۵).



تصویر ۲۳: رقم محمود پسر صفرعلی و تاریخ ۱۳۱۲ بر در مسجد جامع نوش آباد



تصویر ۲۵: منبر حسینی خانقاه بیدگل



تصویر ۲۴: منبر حسینی در درب ریگ بیدگل

اما صفرعلی در بدنه‌های مسند و پله دو منبر حسینی چارسوق آران و حسینی توی‌ده نوش‌آباد طرح یکسانی به کار برده، بدین ترتیب که همان طرح ده‌پر بدنه مستطیلی مسند دو منبر پیشین را به کل بدنه توسعه داده و طرح یکسان بر محور ستاره ده‌پر ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد این کار صفرعلی از طرح‌های پیشین خوش‌تر نشسته است، زیرا از دل

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۴۸

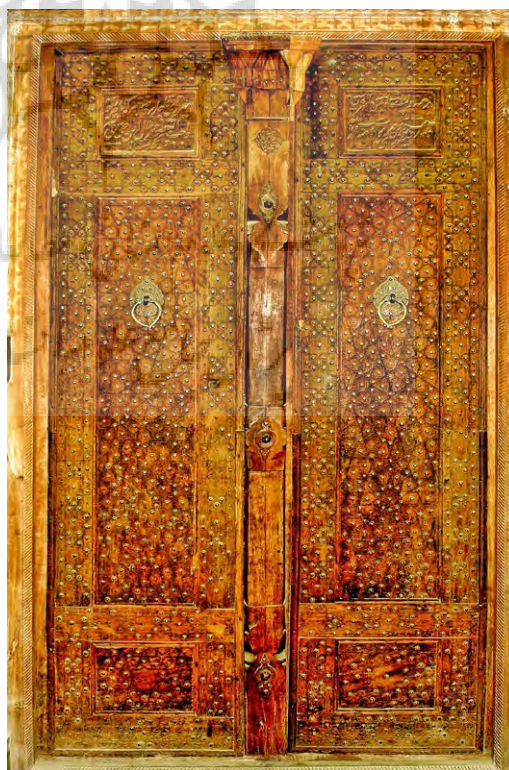
آن نه یک طرح ستاره بلکه سه طرح ستاره‌ای بیرون آمده که هم جلوه زیباتری به کار می‌دهد و هم با طرح گل میخی که خود به این طرح افزوده، سازگارتر است.

در کتیبه‌نگاری هم می‌توان تفاوت‌هایی دید. در قسمت بالای نرده منبر حسینیه‌های درب‌ریگ و خانقاه بیدگل، کتیبه آیت‌الکرسی آمده و در زیر نرده، صلوات کبیره. این درحالی است که در منبر صفرعلی در حسینیه توی‌ده تنها صلوات کبیره آمده و به جای آیت‌الکرسی نقوش گل و بوته اسلیمی کار شده است؛ عنصری تزئینی که دو در منبر پیشین مشاهده نمی‌شود. نکته دیگر در سبک کتیبه‌نویسی است؛ بدین ترتیب که کتیبه‌های دو منبر پیشین در یک قاب ممتد آمده، اما در دو منبر صفرعلی کتیبه‌ها اعم از شعر یا صلوات کبیره به صورت ناپیوسته و در قاب‌های ترجی متعدد آمده است. این تفاوت سبک را می‌توان در کتیبه سنگ قبرهای صفوی و قاجاری از جمله سنگ قبرهای جوشقان استرک نیز مشاهده کرد (مشهدی نوش‌آبادی و محلوچی‌زاده ۱۴۰۳، ۲۴۲).

۵.۲. در ضلع شمالی زیارتگاه محمد هلال آران

در زیارتگاه محمد هلال آران که معروف‌ترین زیارتگاه شهر آران و بیدگل است، در دولنگه چوبی وجود دارد که در سال ۱۲۶۵، «استاد محمدباقر ولد حسن نجار» آن را ساخته است؛ درست دو سال قبل از اینکه صفرعلی منبر حسینیه چارسوق آران (اولین کار شناخته‌شده‌اش) را بسازد.

طرح کلی این در دولنگه کم‌وبیش همان است که صفرعلی پنج سال بعد در زیارتگاه امامزاده محمد نوش‌آباد کار کرده است، اما تفاوت‌های جزئی نیز دارند. گرچه در هر لنگه این در، سه قاب وسط و پایین و بالا کار شده، قاب‌های پایینی و بالایی این در نه مربع، بلکه مستطیل شکل است. ضمن آنکه در داخل دو قاب بالایی دو لنگه در زیارتگاه محمد هلال کتیبه وقف کار شده اما در دو قاب بالای زیارتگاه امامزاده محمد نوش‌آباد طرح هندسی کار شده و کتیبه آن در طرح شمسه هشت میانه دو قاب بالایی و همچنین در بالای لبه لنگ در آمده است (تصویر ۲۶).



تصویر ۲۶: در زیارتگاه محمد هلال آران

کتیبه در زیارتگاه محمد هلال چنین است: «در عهد دولت پادشاه جم ناصرالدین شاه/ قاجار وقف نمود این در را نواب کامیاب محمدزمان میرزای قاجار». میرزای قاجار (در متن تکرار شده) بروضه متبرکه امامزاده/ واجب التعظیم محمد هلال ابن علی فی شهر/ ذی الحجه سنه ۱۲۶۵». در لبه بالایی در قابی ترنجی، نام سازنده و تاریخ ساخت آمده است: «عمل استاد محمدباقر ولد حسن نجار، ۱۲۶۵» (قس: نراقی ۱۳۸۲، ۳۳۵).

طرح کلی اشکال هندسی نیز شباهت اساسی دارد. در قاب‌های داخلی همچون کار صفرعلی طرح شمسۀ ده‌پر، محور کار است و در کناره بیرونی قاب‌ها طرح شمسۀ هشت آمده است، با تفاوتی در طرح گل‌میخ. در واقع صفرعلی با خالی گذاشتن بخش میانی صلیب‌های مورب شکل گرفته زیر هشت‌پر ها - که استاد محمدباقر با گل‌میخ پر کرده - فرم زیباتری به کار داده است. تفاوتی جزئی در طرح‌های هندسی محور شمسۀ ده‌پر این دو در نیز به چشم می‌خورد. طرح قرنیزی مقرنس زیبایی لبه بالای این در، از طرح نسبتاً ساده صفرعلی در زیارتگاه امامزاده محمد متمایز است.

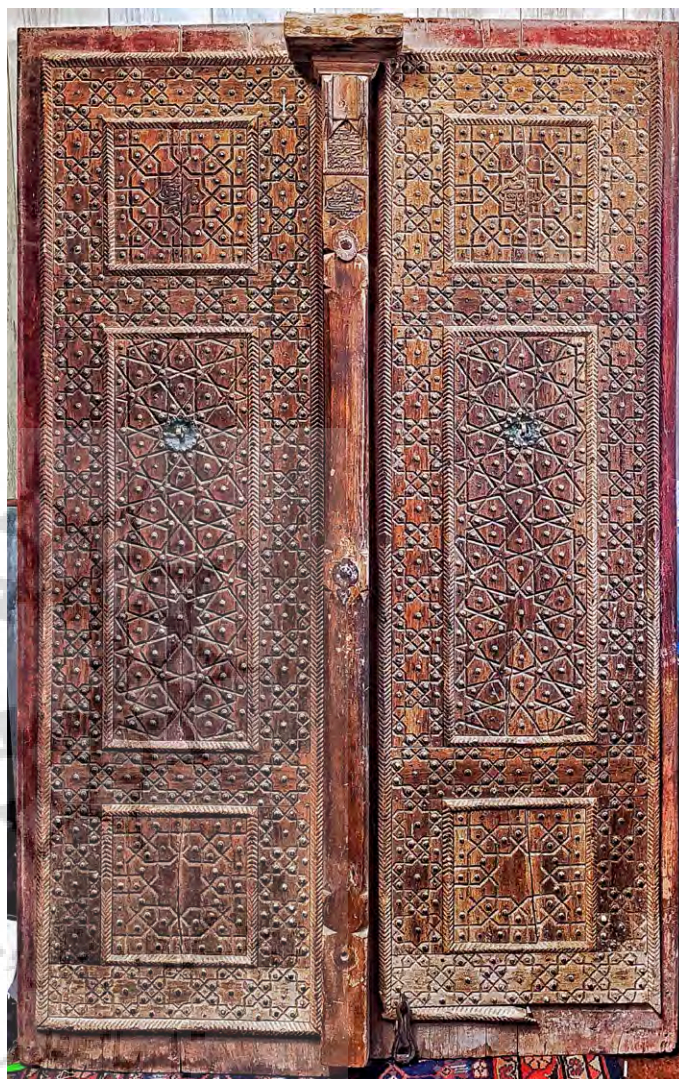
۵.۳. از گره‌چینی تا منبت‌کاری

گره‌چینی که هم در معماری و هم نجاری رایج است، شیوه‌ای است که در آن از برش و کلاف قطعات چوب‌های مستقیم به شکل زوار یا ابزار که آلت نامیده می‌شود، طرح‌های هندسی منظم و متقارن معمولاً بر محور طرح شمسۀ ایجاد می‌کنند. گره‌کشی گاهی مشبک یا توخالی است که نمونه‌اش در نردۀ پله‌ها و مسند منابر صفرعلی نیز کار شده و گاهی توپر و در همراهی لقط است. لقط به معنای چیزی است که به آسانی برداشته یا چیده می‌شود. این معنی با کاربرد لقط گره‌چینی نیز تناسب دارد. بدین ترتیب که قطعات آلت یا زوار چوبی طراحی شده با قطعات مسطح و هندسی لقط به صورت زبانه و فاقه در هم گره زده و سطح چوب را پر می‌کند تا طرح کامل شود. گاهی این آلت و ابزارها با شیشه رنگی یا آینه هم پر می‌شود که در معماری ایرانی به ویژه خانه‌های تاریخی و سنتی نمونه‌های فراوان دارد. صفرعلی و دیگر نجاران هم‌دوره وی بدون استفاده از آلت و لقط، دقیقاً همان طرح‌های هندسی را با کنده‌کاری بر روی سطح چوب ایجاد می‌کرده‌اند.

با مقایسه سبک کار صفرعلی و دیگر کارهای مشابه، با کارهای گره‌چینی اواخر صفوی و اوایل قاجاری منطقه کاشان متوجه می‌شویم که این دو سبک کار به لحاظ ظاهری باهم شباهت دارند، اما شیوه کار متفاوت است. در کارهایی مانند در مسجد عمادی از اواخر صفوی و درهای مسجد تبریزی بازار کاشان و زیارتگاه پنجه‌شاه از دوره قاجاری، طرح‌های هندسی بر محور شمسۀ به صورت گره‌چینی بر سطح در کار شده، آنگاه با گل‌میخ‌های منظم بر آن کوبیده شده است. این درحالی است که در کارهای صفرعلی طرح‌های هندسی بر روی تخت‌های بزرگ کنده‌کاری شده، سپس این تخته‌ها به وسیله گل‌میخ‌های منظم بر تخته‌های دیگر پرچ شده است (تصویر ۲۷).



تصویر ۲۷: چگونگی پرچ گل‌میخ از تخته منبت‌کاری بر تخته زیرین در منبر حسینیه چارسوق آران



تصویر ۲۸: مقایسه طرح در زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد در سمت راست با در گره چینی در اواخر صفوی مسجد عمادی کاشان سمت چپ

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۵۱

مثال بارزی از شباهت طرح منبت کار صفرعلی با نمونه های درهای گره چینی پیش از وی، در مسجد عمادی کاشان از اواخر صفوی است که به لحاظ ظاهر و طرح و نقوش و همچنین طرح گل میخ کاملاً یکسان است، جز اینکه در مسجد عمادی به لحاظ ابعاد بزرگتر از کار صفرعلی است (تصویر ۲۸). کار صفرعلی در جزئیات کار هم با در مسجد عمادی شباهت دارد؛ چنان که کتیبه کاری هر دو در شمسۀ هشت در قاب مربع بالایی و همچنین لبۀ در کار شده است. در واقع صفرعلی در شیوۀ منبت کاری اش دری کم خرج تر از کارهای گره چینی دورۀ قبل ارائه کرده که به اندازه آن ها جلوه گری نیز داشته باشد. این مقایسه نشان می دهد که وی تا حدود زیادی به این مقصود رسیده است (تصاویر ۲۹ و ۳۰).



تصاویر ۲۹ و ۳۰: مقایسه منبت کاری صفرعلی در زیارتگاه امامزاده محمد در سمت راست با گره چینی در مسجد عمادی کاشان در سمت چپ

۶. تحلیل کتیبه‌ها

به جز در جامع ایبانه، در بقیه درهای ساخته شده توسط صفرعلی مجال چندانی برای بروز کتیبه‌های مذهبی نیست. مضمون همه کتیبه‌های مذهبی شامل کتیبه‌های عربی قرآنی و حدیثی و اشعار فارسی است. کتیبه‌های عربی شامل کتیبه قرآنی در جامع ایبانه (آیه ۱۸ سوره توبه) با موضوع تعمیر مسجد و منبر مسجد جامع ایبانه (آیه ۸۹ سوره اسراء) با مفهوم ذکر خداست. اسامی جلاله نیز شامل درهای زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد و مسجد جامع ایبانه و حدیث نبوی «انا مدینه العلم و علی بابها» بر در مسجد جامع ایبانه است که متضمن منزلت امام علی (ع) و مرتبط با مفهوم باب یا در است. همچنین صلوات کبیره که در منابر پیش از دوره صفرعلی نیز سابقه دارد، در منبر حسینیۀ توی ده آمده است، اما از آیت‌الکرسی که در کنار صلوات کبیره منابر دوره قبل‌ی مانند منبرهای حسینیۀ خانقاه و درب‌ریگ بیدگل از سال ۱۲۳۹ هجری آمده در کار صفرعلی نیست، بلکه به جای آن نقوش گل و بوته کار شده است.

شعری فارسی با موضوع منبر با درون مایه معراج و اهمیت توجه به مقام ولایت و ائمه شیعه بر منبر حسینیۀ چارسوق آران اولین اثر شناخته شده صفرعلی کتیبه شده از شاعری ناشناخته و یک بیت شعر فارسی مرثیه در پیشانی پله کرسی منبر حسینیۀ توی ده است که هم به منبر و هم به عزاداری امام حسین (ع) اشاره دارد. این اشعار بر منبر دو حسینیۀ در هنگامه گسترش نوحه خوانی محرم با اشعار مرثیه فارسی است.

وجه شیعی کتیبه‌های صفرعلی به خوبی روشن است و در مقایسه با کتیبه منبرهای قبل‌ی بیدگل، صفرعلی از میان آیت‌الکرسی و صلوات کبیره، دومی را انتخاب می کند تا رنگ شیعی قوی تر باشد. حذف آیت‌الکرسی و باقی گذاشتن صلوات کبیره در سنگ قبرهای قدی اواخر دوره صفوی در نسبت با سنگ قبرهای میانه این دوره، نیز به چشم می خورد (مشهدی نوش آبادی و محلوچی زاده ۱۴۰۳، ۲۴۲) که به نظر معنادار است. همین طور حدیث نبوی و اشعار نوشته شده بر دو منبر نیز متضمن معنای تشیع است. منبرهای صفرعلی و دیگر منابر این دوره مخصوص حسینیۀ است که اساساً برای آیین‌های شیعی و به ویژه برای عزاداری‌های محرم و صفر ساخته شده است.

در تمام کارها به جز در زیارتگاه بی بی شاه‌زینب، نام خود صفرعلی آمده است. در منبر حسینیۀ توی ده و در جامع ایبانه نام همکار و پسرش محمود آمده است. همچنین وی دو جا از هنرمند خوش نویس نام برده است: یکی میرزا محمد ایبانه و دیگری ابوالقاسم به ترتیب خوش‌نویسان منبر و در مسجد جامع ایبانه. در این کتیبه‌ها با نام چند بانی و یا واقف آثار نیز آشنا می شویم که به سعی و سفارش آن‌ها چهار اثر صفرعلی ساخته شده است. محمدرضا در منبر محله چهارسوق آران، امیرزا جونی، احمد السرکاری و میرزا ملا در زیارتگاه امامزاده محمد نوش آباد، ملا ابوالقاسم ابن ملا محمدصادق

در منبر مسجدجامع ایبانه و پدر حاج میرزا حسین که به نیابت از فرزند ازدنیارفته‌اش، بانی در مسجدجامع ایبانه است. دربارهٔ کتیبهٔ تاریخ باید گفت که در تمام کارهای صفرعلی، کتیبهٔ معرفی هنرمند و بانی و سال ساخت همه به فارسی آمده است. وی در کتیبهٔ تاریخ به اختصار تمام و بدون اشاره به روز و ماه، سال اتمام کارهای خود را با حرف «سنه» و سپس عدد سال می‌آورد، به جز در مسجدجامع ایبانه که تاریخ هم با عبارت عربی و هم با عدد آمده است.

جدول ۱: رقم، تاریخ و محتوای فرهنگی و دینی آثار صفرعلی

ش	نام اثر	تاریخ	رقم	کتیبه
۱	منبر حسینیہ چارسوق آران	سنه ۱۲۶۷ اتمام / پذیرفت	عمل صفرعلی بیدگلی	شعر فارسی
۲	در امامزاده محمد	سنه ۱۲۷۰	عمل صفرعلی بیدگلی سنه ۱۲۷۰	اسامی جلاله
۳	در حسینیہ توی‌ده	صورت اتمام یافت فی سنه ۱۲۹۳	هذا عمل حقیر کار صفرعلی بیدگلی	صلوات کبیره شعر فارسی
۴	در زیارتگاه بی‌بی شاه‌زینب یزدل	-	-	-
۵	رحل سلطانی اصفهان	حدود ۱۲۹۰	عمل حاج صفرعلی بیدگلی	-
۶	منبر مسجدجامع ایبانه (مرمت)	سنه ۱۳۱۰	عمل حاج صفرعلی بیدگلی	آیه ۷۹ اسراء
۷	در جامع ایبانه	سنه احدی عشر ثلاث‌مائه بعد الف	عمل اقل الحاج صفرعلی بیدگلی	وقف‌نامه، آیه ۱۸ توبه، حدیث، اسامی جلاله
۸	صندلی حسینیہ خانقاه	۱۳۱۷	عمل حاجی صفرعلی	-
۹	در مسجدجامع نوش‌آباد	سنه ۱۳۱۲	عمل محمود ولد صفرعلی نجار بیدگلی	حدیث نبوی

نتیجه

صفرعلی از هنرمندان کمترشناختهٔ اواخر دوران قاجاری است که سهم بسزایی در هنر نجاری و منبت‌کاری منطقه کاشان دارد. در این تحقیق برای اولین بار، پرده از آثار و زندگی وی برداشته شد. معرفی بسیار مختصر وی در کتاب چراغان که یکی از معاصران وی نوشته و همچنین رقم تاریخ در آثارش به ما کمک کرد تا گذری بر توالی تاریخی آثار با توجه به دوران زندگی‌اش داشته باشیم. وی هنرمندی پرکار و صاحب سبک و سلیقه بوده که گویا برخی از کارهای وی از گزند حوادث مصون مانده است. از این هنرمند هشت کار شناسایی شد که بر هفت کار، تاریخ و نام هنرمند ثبت شده و یک کار بدون رقم است، اما کاملاً با کارهای وی شباهت دارد. با این اوصاف، کارهای متفاوت دیگری نیز از وی بر جای مانده است، مانند در مسجدجامع ایبانه با نقوش گل و بوتهٔ چشمگیر و رحل بزرگ سلطانی با تزیینات گره‌چینی که امیدواریم در آینده اطلاعات بیشتری از این کار به دست آوریم. بیشتر آثار معرفی‌شده در این مقاله برای اولین بار معرفی و یا به وی نسبت داده شد.

الگوهای ساخت در و منبر صفرعلی عمدتاً به شیوهٔ اجرای طرح‌های هندسی منظم و متقارن بر محور طرح شمسه بر روی تخته‌های بزرگ است که پس از اجرا بر تختهٔ دیگری با گل‌میخ پرچ می‌شده است. این سبک در دورهٔ وی تداول داشته و نمونهٔ آن را هم‌زمان هنرمندی دیگر بر در زیارتگاه محمدهلال آران کار کرده است. این شیوه گویا ظهوری تازه داشته است، زیرا نمونه‌های متعددی از درهای اواخر دورهٔ صفوی تا میانهٔ دورهٔ قاجاری را در کاشان سراغ داریم که این گونه طرح‌های هندسی به صورت گره‌چینی کار می‌شده نه منبت‌کاری.

محتوای کتیبه‌های آثار صفرعلی به جز نام هنرمند و گاهی نام بانی، متضمن عناصر دینی شامل اسماء جلاله، آیات قرآن و حدیث نبوی، صلوات کبیره و اشعاری فارسی با موضوع منبر و باورهای شیعی است که در مقایسه با کتیبهٔ منابر دورهٔ پیش از وی، رنگ تشیع بارزتری دارد. همچنین دربارهٔ امضای محمود که در برخی کارها در کنار نام وی به چشم می‌خورد، ابهام‌زدایی شد. محمود در تنها اثر شناخته‌شده‌اش در قاجاری مسجدجامع نوش‌آباد، خود را پسر صفرعلی معرفی کرده که با گزارش کتاب چراغان از خانوادهٔ صفرعلی مطابق است.

پی‌نوشت‌ها

۱. علی شریف در کتاب خود در معرفی مسجد علی نوش‌آباد می‌نویسد: «این مسجد دارای منبر منبت‌کاری‌شده بسیار حائز اهمیت، به‌جامانده از قرن هفتم است» (شریف بی‌تا، ۱۱ و ۱۲).
۲. کتیبه‌های زیر سرستون مقبره نطنز کار حسن بن علی بن احمد بابویه است. وی مجموعه‌ای از سه کاشی زرین‌فام محرابی را که احتمالاً از نطنز برده شده و در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود، امضا کرده است. همچنین محراب گچی دلیجان از سال ۷۳۶ که بر روی برگه نخلی آن امضای عمل حسن علی بن احمد بابویه است؛ وی پسر علی بن احمد سفالگری است که محراب بدون تاریخی را در موزه ویکتوریا آلبرت امضا کرده که مانند محراب امامزاده یحیی محفوظ در موزه ارمیتاژ از سال ۷۰۵ است (Blair 1986, 14, 15 and pl 95).
۳. نراقی به‌اشتباه تاریخ را ۱۰۹۳ ضبط کرده و نام پایان کتیبه را «محمود الحسینی» خوانده که دقیق نیست (نراقی ۱۳۸۲، ۲۴۳).
۴. عضو هیئت‌علمی دانشگاه هنر اصفهان و کارشناس آثار هنری.
۵. بنا بر قول محمد مهدی امینی قمی، پژوهشگر آثار چوبی تاریخی، منبر ابیانه در دوره قاجاری به‌کلی از هم پاشیده شده و تخته‌های سلجوقی در ساختار منبر قاجاری جای داده شده است (امینی ۱۴۰۳: مصاحبه). این امر از برش تخته‌های منقوش سلجوقی برای سه‌کنج‌های بدنه منبر پیداست.
۶. «خانه حاجی صفر علی، عائله ۲ نفر، حاجی صفر علی پسر مرحوم ملاریع، سن قریب ۸۰ سال، کسب نجاری، زوجه یکی، اولاد ذکور یکی، محمود سن قریب ۳۵ سال، ساکن آران، اولاد اناث یکی خانه شوهر» (وصاف بیدگلی ۱۳۵۲، ۷۲).
۷. در جایی این کتیبه را به‌اشتباه این‌گونه خوانده‌ام: «عمل محمود الاحقر صفر علی بیدگلی» (مشهدی نوش‌آبادی ۱۳۷۸، ۴۹).

منابع

- قرآن کریم.
- اعظم واقفی، حسین. ۱۳۸۶. میراث فرهنگی نطنز. تهران: انجمن آثار و مفاخر.
- امینی، محمد مهدی. ۱۴۰۳. مصاحبه ۱۴۰۳/۵/۴.
- سپهر کاشانی، عبدالحسین. ۱۳۷۸. مختصر جغرافیای کاشان. تصحیح افشین عاطفی. کاشان: مرسل.
- شریف، علی. بی‌تا. راهنمای آثار و بناهای تاریخی شهرستان کاشان. کاشان: اداره فرهنگ و هنر.
- فرهنگد بروجنی، حمید. ۱۴۰۳. مصاحبه ۱۴۰۳/۵/۱۲. تولد ۱۳۴۸.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد. ۱۴۰۰. بررسی تاریخی و مردم‌شناسی سنگ قبرهای صفوی جوشقان استرک. پژوهش‌های علوم تاریخی ۱۳ (۱): ۱۳۸-۱۶۴.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد. ۱۳۹۲. ابوالحسن نورالوری و پسرش نورالوری خوش‌نویسان عهد صفوی. پژوهشنامه کاشان، ش. ۱۰: ۵۶-۶۹.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد. ۱۳۹۱. آثار، اسناد و کتیبه‌های تاریخی بزرگ. پژوهشنامه کاشان، ش. ۹: ۳۰-۵۳.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد. ۱۳۹۲. کتیبه درهای تاریخی ابیانه. پژوهشنامه کاشان، ش. ۱۱: ۴۸-۸۵.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد. ۱۳۷۸. نوش‌آباد در آینه تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ. کاشان: مرسل.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، و حمیدرضا جیحانی. ۱۳۹۹. آثار چوبی باقی‌مانده از مسجد جامع بزرگ؛ مطالعه کتیبه‌های نویافته و معرفی هنرمندی از تبار ابوزید. هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی ۲۵ (۳): ۸۷-۹۸.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، و محمد خداداد. ۱۳۹۴. توغ‌های نفیس و تاریخی شهرستان‌های کاشان، آران و بیدگل و نطنز. پژوهشنامه کاشان (کاشان‌شناخت) ۶ (پیاپی ۱۴): ۱۴۰-۱۸۲.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، و محمدرضا غیاثیان. ۱۴۰۱. درب چوبی ایلخانی مسجد علی قهرود: تحلیل کتیبه‌ها؛ ماهیت قدمگاهی مسجد؛ معرفی بانی و شناسایی هنرمند. اثر، ش. ۴۳: ۴۶۶-۴۸۲.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، و محمدرضا غیاثیان. ۱۴۰۳. مواد فرهنگی شیعه: بازتاب باورهای شیعی در هنر و معماری کاشان

مطالعات شماره ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۷ - بهار و تابستان ۱۴۰۴

- (از دوره ایلخانی تا قاجاری). اصفهان: آرما.
- مشهدی نوش آبادی، محمد، و محمدرضا محلوچی زاده. ۱۴۰۳. سنگ قبرهای صفوی و قاجاری روستای استرک کاشان. *مطالعات معماری ایران*، ش. ۲۶: ۲۴۸-۲۲۵.
- نراقی، حسن. ۱۳۸۲. آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. تهران: انجمن آثار و مفاخر.
- و صاف بیدگلی، محمدرضا. ۱۳۵۸. چراغان در جغرافیای قصبه بیدگل. *فرهنگ ایران زمین*، ش. ۲۴: ۱-۱۶۴.
- Blair, Sheila. 1986. The Ilkhanid Shrine Complex at Natanz, Iran. Harvard: Harvard University
- Hillenbrand, Robert. 1976. Saljuq Monuments in Iran: IV. The Mosques of Nushabad. *Oriental Art* 22: 265-277.
- Golmohammadi, Javad. 1988. *Wooden Religious Buildings and Carved Woodwork in Central Iran*. PhD. diss., University of London.
- Ghiasian, Mohamad Reza and Mohammad Mashhadi Nushabadi. 2023. Ilkhanid Wood Carvings in the Mountain Villages between Kashan and Natanz. *Iranian Studies*, no. 56: 255-275.
- URL 1: <https://richt.ir>
- URL 2: https://www.metmuseum.org/art/collection/search/446151?utm_source=chatgpt.

■ The Wooden Works of Safar Ali Bidgoli, a Woodcarver Artist of the Late Qajar Period

Mohammad Mashhadi Nushabadi

Associate Professor, School of Literature and Foreign Languages, University of Kashan

One of the Qajar-era woodworker-artists from the Kashan region, about whom little is known, is Safar Ali Bidgoli. This article introduces eight of his woodworking pieces, some of which had not been previously identified. These works include three double-leaf wooden doors from the shrines of Shahzadeh Mohammad in Nushabad, the Jameh Mosque of Abyaneh, and Bibi Shah Zeynab in Yazdel; four pulpits located in the Chahar-Suq Hosseiniyeh of Aran, Tuydeh Hosseiniyeh in Nushabad, the Jameh Mosque of Abyaneh, and the Khanqah Hosseiniyeh in Bidgol; and one royal Qur'an stand (rahl). These works were created over fifty years, from 1267 to 1317 AH (circa 1850–1900 AD). This study aims to identify Safar Ali's works and to provide a preliminary understanding of his life. Therefore, the central questions pursued are: Who was Safar Ali? What works of his have survived? Moreover, what artistic and thematic features do these works possess? The research data were primarily collected through fieldwork and subsequently described and analyzed using historical sources. Safar Ali is an artist responsible for the most extensive body of woodwork from the late Qajar period, including some of the last distinguished religious woodcarvings in the Kashan region. The style of most of his works—an innovative continuation of his contemporaries' approach—involved woodcarving geometric patterns centered on sunburst motifs, interspersed with floral spike designs. His pieces are artistically significant and, in terms of content, include the names of the artist and donors, dates, and religious concepts—especially Shia beliefs—expressed through Arabic inscriptions and Persian poetry. A carved door panel in the Jameh Mosque of Nushabad also remains as a testament to Mahmoud, the son of Safar Ali, who collaborated with his father on some woodworking projects.

Keywords: Safar Ali Bidgoli, Kashan Region, Woodcarving, Qajar Woodworking, Qajar Wooden Doors, Qajar Wooden Pulpits.